

مبنای متن محورانه علامه مجلسی در انتخاب مصادر و احادیث بحار الأنوار با تأکید بر احادیث ناظر بر امامت

محسن قاسم پور^۱
ابوطالب مختاری هاشم آباد^۲

چکیده

در میان جوامع حدیثی شیعه، بحار الأنوار به دلیل جامعیت بیشتر موضوعات، منابع و احادیث آن و حضور علمی مؤلفش، علامه محمد باقر مجلسی، اهمیت بیشتری یافته است. مطالعه بحار الأنوار و توضیحات علامه مجلسی بیان گرفتار گزینشی وی در مواجهه با مصادر و احادیث است. وی به پیروی از دانشوران حدیث محور پیش از خود، در اعتبار سنجی احادیث به قراین متنی بیش از قراین سندی ارجح می‌نهاده است.

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی بر مجلد هفتم بحار الأنوار، احادیث ناظر بر امامت، نشان می‌دهد که علامه مجلسی علاوه بر متن محوری، در انتخاب احادیث، بیشتر از منابع اصیل و متقدم شیعه و دارای احادیث مسند، بهره می‌برده است. روش وی در بیشتر موارد، استفاده مجموعه‌ای از احادیث یک باب از منبع خاص به منظور تکمیل خانواده حدیث در یک موضوع بوده است، ولی دلیل ترجیح یک مصدر بر منبع دیگر در برخی موارد مشخص نیست.

کلیدواژه‌ها: علامه مجلسی، بحار الأنوار، متن حدیث، اعتبار حدیث، روش شناسی.

طرح مسأله

همواره یکی از کارهای مهم و باارزش پژوهشی، روش شناسی کارهای بزرگ است. در میان

۱. دانشیار دانشگاه کاشان (ghasempour@kashanu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) - (tahamokhtary@gmail.com).

مجامع حدیثی شیعه تألیفی جامع‌تر و مفیدتر از بحار الأنوار وجود ندارد. علامه محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ق) این دایرة المعارف روایی را با استفاده از بیش از چهارصد منبع در حدود چهل سال تألیف کرده است. بی‌تردید، بهره‌برداری صحیح از بحار الأنوار پس از یافتن مبانی و شیوه مجلسی در تألیف اثرش، تحقق می‌یابد.

مجلسی در مقدمه بحار الأنوار، اعتماد به منابع حدیثی پیش از خود و توثیق مصادر را مهم‌ترین مبنای تألیف جامع خویش و دلیل اصلی اعتبار روایات بحار الأنوار معرفی می‌کند. توضیحات اجمالی مجلسی در مقدمه اثرش مطالب بسیار مفیدی است، ولی پاسخ‌گوی تمام پرسش‌های متبادر به ذهن پژوهش‌گر نیست؛ سؤالاتی از قبیل: مجلسی در تدوین ابواب بحار الأنوار چه مبنایی در انتخاب منابع و احادیث آنها داشته است؟ میزان اعتبار مصادر بحار الأنوار نزد او بر اساس چه مبنا و ضابطه‌ای است؟ آیا استفاده ایشان از اصول و مصادر متقدم شیعه با نحوه بهره‌وری وی از مصادر متأخر یکسان است؟ آیا توثیق مصادر به معنای توثیق هر یک از احادیث آنها نزد وی است؟ آیا ویژگی‌های فردی و محیطی مؤلف، در تعیین روش تألیف بحار الأنوار تأثیر داشته است؟

در این مقاله تلاش شده است با استفاده از مطالب مجلسی و توضیحات وی ذیل احادیث، و روش‌شناسی بحار الأنوار در مجلد هفتم بحار الأنوار - که در چاپ ۱۱۰ جلدی، جلد‌های ۲۳ تا ۲۷ است - از جهت نحوه استفاده از مصادر و گزینش احادیث، به منظور یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های یاد شده گامی هرچند کوتاه، برداشته شود.

مقدمه

همواره در طول تاریخ شیعه، دانشوران شیعی به ویژه فقها و محدثان - که تبلیغ مذهب و فرهنگ صحیح برای آنان اهمیت بسیار داشته - از فرصت‌ها و امکانات پیش آمده بهترین استفاده را می‌بردند. در این میان، فعالیت‌های دانشمندان کم‌نظیر و پرکار، علامه محمد باقر مجلسی در عرصه علوم اسلامی، به ویژه علوم حدیث شیعه از عصر صفویان تا کنون مورد توجه اندیشمندان واقع شده است.

محمد باقر مجلسی تحت تأثیر تربیت پدر دانشمندش محمد تقی مجلسی، فعالیت‌های علمی خود را بر تحقیق در روایات اهل بیت علیهم‌السلام متمرکز کرد. به گفته افندی، وی علوم عقلی را نزد آقا حسین خوانساری و علوم نقلی را نزد پدرش مجلسی اول خوانده

۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳-۴ و ۲۶-۴۶.

است.^۴ مشی حدیث‌گرایی عالمانه او و ناسازگار دانستن آن با روش صوفیان و فلاسفه - که در زمان او طرفداران بسیاری داشته - سبب شد تا آثار او بیشتر در جهت ترویج و شرح احادیث باشد. او مهم‌ترین اثر خویش، یعنی بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار را در ۲۵ مجلد، پس از سال ۱۰۷۰ ق، آغاز کرد و تا آخر عمر شریفش (سال ۱۱۱۰ ق) مراحل تکمیلی آن ادامه یافت.^۵ این مجموعه با داشتن ۲۴۸۹ باب و ده‌ها هزار حدیث از بیش از چهارصد منبع حدیثی نگاشته شده است.^۶ البته حمایت حکومت صفوی از تألیف و انتشار کتب دانشمندان شیعه و مناصب حکومتی مجلسی در دربار صوفیان نیز بر تسریع فرآیند تألیف بحار الانوار مؤثر بوده است.

با توجه به وجود پدیده جعل و وضع حدیث از زمان پیامبر ﷺ و وقوع اشتباهات و مشکلات در نقل سینه به سینه احادیث معصومان علیهم‌السلام در طول تاریخ، بدیهی است که در مورد یک معجم بزرگ روایی مثل بحار الانوار - که از بیش از چهارصد منبع حدیثی تألیف شده است - وجود احادیث ضعیف و غیر معتبر در آن غیر قابل انکار به نظر رسد. از آنجا که مجلسی یکی از انگیزه‌های خویش را از تألیف بحار الانوار حفظ میراث حدیثی مکتوب شیعه از فراموشی و نابودی بیان کرده،^۷ برخی بحار الانوار را مجموعه‌ای مملو از احادیث ضعیف دانسته‌اند که مؤلف آن فقط قصد گردآوری داشته است، و برخی معتقدند مجلسی پالایش احادیث را به دانشوران بعدی شیعه واگذار کرده است،^۸ ولی با نگاهی اجمالی به مقدمه بحار الانوار و شرح‌های مجلسی بر احادیث آن و شرح‌های او بر الکافی و التهذیب، روشن می‌شود که گرچه علامه مجلسی از امکانات پیش آمده در عصر صوفیان برای جمع آوری احادیث بیشترین بهره را برده است، ولی قصد او این بوده که احادیث را پس از پالایش و گزینش به قصد کارآمدی گردآوری کند^۹ و وجود احادیث مشکوک را در جامع خویش به حداقل برساند. مبنای اصلی وی در تألیف بحار الانوار، اعتمادش بر محدثان متقدم شیعه و روش علم الحدیثی و آثار آنان و مقدم دانستن نقد محتوایی بر نقد سندی است. به عبارت

۴. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۰.

۵. نه مجلد بحار الانوار پس از حیات علامه توسط شاگردانش پاکت‌نویس شده است (الفیض القدسی، مطبوع در بحار

الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۴۴ - ۴۵ و ۸۶: روایات الجنات، ج ۲، ص ۸۵).

۶. علم الحدیث، ص ۹۱: آشنایی با بحار الانوار، ص ۲۲۶ و ۲۶۱.

۷. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳ - ۴.

۸. رک: آشنایی با بحار الانوار، ص ۱۲۲ - ۱۲۳ و ۱۹۹.

۹. رک: «بحار الانوار».

دیگر، مجلسی، به طور کلی، اعتبار احادیث جامع خویش را پذیرفته، چنان که بسیاری از آنها را در کتب فارسی خود نیز نقل کرده است^{۱۰} و فقط در موارد معدودی در صحت انتساب احادیث به معصومان علیهم السلام تردید کرده است،^{۱۱} ولی آنها را به دلیل داشتن محتوایی سالم و مفید در جهت تکمیل مطالب یک باب خاص و به منظور صیانت از آنها نقل کرده است و علمش را به اهل بیت علیهم السلام واگذار کرده است. البته به دلیل کثرت اشتغالات وی و ناتمام ماندن برخی از برنامه های علمی اش و تنوع مطالب بحار الأنوار نمی توان گفت در تمام مواردی که مجلسی اظهار نظر نکرده، پس آن حدیث را صحیح می دانسته است.

در باره پیشینه بحث در مورد دیدگاه های فقه الحدیثی علامه مجلسی و روش او در تألیف بحار الأنوار مطالبی به طور پراکنده در آثار شاگردانش مثل سید نعمت الله جزائری، و میرزا عبد الله افندی صاحب ریاض العلماء دیده می شود، ولی تحقیق جامعی پیش از دوران معاصر دیده نمی شود. در سال های اخیر کاوش های علمی ارزنده ای درباره روش های فقه الحدیثی علامه مجلسی و ویژگی های بحار الأنوار صورت گرفته (که برخی در پی نوشت خواهد آمد)، ولی اعتبار سنجی بحار الأنوار متناسب با چگونگی استفاده مجلسی از مصادر، کمتر مورد توجه واقع شده است.

این مقاله در تکمیل آثار ارزنده پیشین، به واکاوی مبنا و روش علامه مجلسی در استفاده از مصادر بحار الأنوار و تأثیرش در اعتبار بحار الأنوار می پردازد و ابتدا دیدگاه مجلسی در باره مصادر بحار الأنوار و چگونگی استفاده از آنها، سپس دیدگاه وی در مورد متن و سند حدیث بررسی می گردد و در پایان روش تألیفی او در مجلد هفتم بحار الأنوار به عنوان نمونه ارائه می گردد.

۱. اعتبار روایات بحار الأنوار نزد علامه مجلسی

در این بحث روایات از دو منظر منبع حدیث و خود حدیث (سند و متن) از دیدگاه مجلسی بررسی می گردد.

۱-۱. اعتبار احادیث از جهت مصادر آنها

مجلسی در مقدمه خویش از ۳۷۸ منبع شیعی و ۸۵ منبع اهل تسنن نام می برد.

۱۰. علامه مجلسی و فهم حدیث، ص ۲۸۵ - ۲۸۷.

۱۱. رک: آشنایی با بحار الأنوار، ص ۱۲۵ - ۱۳۱.

اگر چه از اندکی از آنها اصلاً نقل نکرده و یا بسیار اندک نقل کرده است، ولی در بحار الأنوار از بیش از ششصد منبع استفاده شده است.^{۱۲} با توجه به فصل‌های اول و دوم مقدمه بحار الأنوار، اعتماد به محدثان، علما و مصنفان شیعه مهم‌ترین دلیل اعتبار احادیث نزد مجلسی است. وی در مقدمه خویش منابع و مصادر جامع خود را معرفی می‌کند و با بیان اطلاعات مفیدی در مورد برخی از آنها، دلیل اعتماد خویش بر آنها را به اختصار گزارش می‌کند.^{۱۳}

منابع و مصادر حدیثی بحار الأنوار بسان کتابخانه‌ای است که بیش از چهارصد کتاب دارد، و در برخی از آنها، نسخه‌های متعددی نزد مجلسی موجود بوده است. پژوهش‌های حدیثی مجلسی به روش تحلیل فهرستی در حجیت خبر - که همان بررسی حجیت خبر از طریق کتابشناسی است - نمونه عالی و گسترده از این روش در دوره متأخران است. تحلیل فهرستی که در مباحث فقهی در کنار تحلیل اصولی و تحلیل رجالی مطرح می‌شود، به گفته محققان، مختص شیعه است و حتی در جهان امروز و در دنیای غرب، با این همه تحقیقات آکادمیک و علمی نیز مثل و مانندی ندارد.^{۱۴}

مجلد آخر بحار الأنوار - که مجموعه‌ای از اجازات مؤلف و سایر محدثان شیعه بوده و برخی از آنها دارای سند متصل تا زمان ائمه علیهم‌السلام و اصحاب دارای کتاب است - تأیید شیوه تحلیل فهرستی مجلسی است و قرینه‌ای بر اتقان منابع حدیثی و وحدت رویه محدثان و فقهای شیعه در تاریخ حدیث شیعه است.

مقدمه بحار الأنوار دو نکته مهم را در بحث مبانی علم الحدیثی مجلسی دربردارد:
الف) مجلسی علاوه بر وثاقت و مقام علمی مؤلف و قطعیت انتساب کتاب به مؤلفش، قراین دیگری از داخل یا خارج آن منبع، برای اعتماد بر منابع بحار الأنوار معرفی کرده است:
قراین داخلی: توافق روایات آن با روایات کتب موثق حدیثی پیش از آن، وجود اجازات فضلا یا دستخط یا تصحیح آنان بر نسخه‌ای از آن، داشتن محتوای مفید و کمیاب، سازگاری اسلوب و سیاق متن روایات آن با متون احادیث صحیح، داشتن اسناد خوب، عدم خلط اخبار امامیه با اخبار عامه توسط مؤلف، تسامح در ادله سنن برای آثار دارای احادیث اخلاقی و آداب و ادعیه، نظم کتاب و ثبت و ضبط دقیق

۱۲. همان، ص ۲۵۵.

۱۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶ - ۴۶.

۱۴. بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۷۹.

احادیث در منبع.

قراین خارجی: شمرده شدن از یکی از اصول اولیه حدیثی، شهرت اصل یا کتاب و متداول بودن آن در میان دانشوران شیعه، شهرت مؤلف آن، وجود نسخه‌ای از کتاب به خط مؤلف نزد خود، نقل محدثان بعدی از آن اثر، وجود نام مؤلف در اسناد اجازات، مدح مؤلف یا اثرش توسط عده‌ای از نیکان، تحقق خارجی برخی از مطالب کتاب برای مجلسی، توثیق یا مدح مؤلف توسط صاحبان کتب رجال یا فهرست یا صاحبان اجازات.

مجلسی برای بسیاری از منابع چند مورد از قراین یاد شده را بیان کرده است.^{۱۵} (ب) مجلسی در تعبیر «فی بیان الوثوق علی الكتب المذكورة و اختلافها فی ذلک» خود به اختلاف منابع خویش از جهت شدت و ضعف اعتبار اشاره نموده است؛^{۱۶} مثلاً الامالی فرزند شیخ طوسی را از الامالی پدرش در زمان خود مشهورتر می‌داند، ولی الامالی پدر را نزد خود صحیح‌تر و موثق‌تر می‌داند.^{۱۷} شاید دلیل رأی او، تقدم زمانی و علم الحدیثی شیخ طوسی نسبت به پسرش باشد.

۱-۱-۱. منابع غیر قابل اعتماد در بحار الأنوار

به طور کلی مجلسی پس از اطمینان از انتساب یک کتاب به مؤلف ثقه، براساس روش حدیث محور خویش و با توجه به وجود برخی قراین پیش گفته در باره اثر، و طبق سیره عقلا از جهت اعتماد بر خبر مخبر صادق و به پیروی از شیوه محدثان متقدم، مثل شیخ صدوق، شیخ طوسی و سید بن طاوس، بر منابع اعتماد و حسن ظن دارد.^{۱۸} وی بر تعداد کمی از منابع بحار الأنوار اعتماد کافی ندارد؛ از جمله هیجده مورد که می‌توان با توجه به دلیل کم اعتبار بودنشان نزد مجلسی آنها را در پنج گروه ذیل قرار داد:

الف. کمی اعتبار به دلیل نقل اخبار شبهه‌ناک و غالیانه

مجلسی بر مشارق الأنوار و الفین حافظ رجب بررسی به دلیل آمیخته شدن مطالب آنها با مطالب نادرست و غلوآمیز اعتماد نمی‌کند^{۱۹} و فقط از آن دو کتاب و کتاب‌های ریاض

۱۵. رک: بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۶ - ۴۶.

۱۶. همان، ج ۱، ص ۲۶.

۱۷. همان، ص ۲۷. برخی از محققان، مثل سید محسن امین، هر دو الامالی را یک کتاب و متعلق به شیخ طوسی دانسته که راوی قسمت دوم آن پسر شیخ بوده است (اعیان الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۰۱).

۱۸. ملاذ الاختیار، ج ۱، ص ۲۶ - ۲۷؛ مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲.

۱۹. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰.

الجنان و صفوة الاخبار فضل الله بن محمود فارسی روایت‌هایی را که موافق روایات اصول معتبر شیعه است، نقل می‌کند.^{۲۰} وی در اعتبار احادیث دو کتاب ریاض الجنان و مشارق الأنوار تردید دارد.^{۲۱}

ب. کمی اعتبار به دلیل خلط منابع روایی عامه و خاصه

مجلسی کتاب‌های غوالی اللآلی و نثر اللآلی ابن ابی جمهور احسایی و جامع الاخبار شعیری را، با وجود شهرت، تخطئه کرده و می‌گوید:

مؤلف پوست را از مغز و اصل مطلب تشخیص نداده و احادیث مخالفان متعصب اهل تسنن را میان روایات شیعه وارد کرده است. به همین دلیل بر نقل برخی از احادیث آن اکتفا نمودیم.^{۲۲}

وی به کتاب تنبیه الخاطرورام بن ابی فراس نیز اشکال خلط روایات عامه و خاصه را وارد کرده است.^{۲۳}

ج. کمی اعتبار به دلیل ناسازگاری عبارات با روایات اصیل و صحیح ائمه علیهم‌السلام

مجلسی با وجود تمجید سید بن طاوس از مصباح الشریعه، بر آن اعتماد کامل ندارد؛ زیرا اسلوب برخی مطالب آن را مانند سایر روایات ائمه علیهم‌السلام نمی‌داند و اشاره می‌کند که شیخ طوسی با وجود نقل برخی روایاتش بر آن اعتماد کامل نداشته است و روایت آن از امام صادق علیه‌السلام نزد او ثابت نشده است؛ علاوه بر آن که سند آن به صوفیه می‌رسد...^{۲۴}

د: کمی اعتبار به دلیل مجهول المؤلف بودن مصادر

مجلسی در مورد کمی اعتبار کتب ملحمه‌های منسوب به امام صادق علیه‌السلام و منسوب به دانیال نبی علیه‌السلام والروضه فی المعجزات والفضائل - که مجهول المؤلف هستند و مورد اخیر احتمال دارد مانند الفضائل تألیف جبرئیل بن شاذان قمی باشد - و کتاب النبذة ابن حداد و دیوان منسوب به امام علی علیه‌السلام و طب الائمة به ترتیب می‌نویسد:

و کتابا الملحمه مشهوران لکن لا أعتد علیهما کثیراً. و کتاب الروضة لیس فی محل رفیع

۲۰. همان، ص ۴۰.

۲۱. همان، ج ۲۵، ص ۲۵.

۲۲. همان، ج ۱، ص ۳۱.

۲۳. همان، ص ۲۹.

۲۴. همان، ج ۱، ص ۳۲.

من الوثوق.^{۲۵} و کتاب النبئة مؤلفه لا نعلم حاله.^{۲۶} و کتاب السديوان انتسابه إليه - صلوات الله عليه - مشهور و كثير من الأشعار المذكورة فيها مروية في سائر الكتب و يشكل الحكم بصحة جميعها...^{۲۷} و کتاب طب الأئمة من الكتب المشهورة لكنه ليس في درجة سائر الكتب لجهالة مؤلفه^{۲۸} و لا يضر ذلك إذ قليل منه يتعلق بالأحكام الفرعية و في الأدوية و الأدعية لا نحتاج إلى الأسانيد القوية.^{۲۹}

عبارات یاد شده نشان می دهد که مجلسی هر حدیثی را از هر منبعی در کتاب خود نمی آورد و وثاقت و شهرت مؤلف، کیفیت اثر و محتوای احادیث مورد توجه مجلسی بوده است.

وی همچنین اصل عبّاد عصفری - که شیخ طوسی و نجاشی او را توثیق نکرده اند و مجهول الحال است - شایسته تأیید سایر روایات می داند.^{۳۰}

و. کمی اعتبار به دلیل کم توجهی به اصل روایات

مجلسی احادیث برخی کتب مثل دعائم الاسلام قاضی نعمان مصری - که احادیثش بیشتر نقل به معنا است - و نیز کتاب مقصد الطالب حسین بن محمد - که آن را شامل اخبار و احکام نادر می داند - شایسته تأیید و تأکید سایر احادیث می داند.^{۳۱} بنا بر این، بر صحت آنها اعتماد کافی ندارد.

۱-۱-۲. عملکرد علامه مجلسی نسبت به منابع کم اعتبار

از هیجده اثر یاد شده - که کمتر از پنج درصد منابع حدیثی شیعی بحار الأنوار را تشکیل می دهند - از کتاب های الالفین، نشر الآلی، و النبئة حدیثی در بحار الأنوار نقل نشده است و از پانزده مورد دیگر، کمتر از هزار حدیث نقل شده است که کمتر از دو درصد احادیث بحار الأنوار را تشکیل می دهد. به نظر می رسد موضع مجلسی یک جایگاه اعتدالی و صحیح تر

۲۵. همان.

۲۶. همان، ص ۴۵.

۲۷. همان، ص ۴۲.

۲۸. همان، ص ۳۰.

۲۹. عبارت اخیر درباره طب الأئمة - که مجلسی آن را از عبدالله بن بسطام و برادرش حسین بن بسطام و با عدم توثیق توسط نجاشی معرفی کرده (همان، ج ۱، ص ۱۱) - نشان می دهد که مجلسی با پذیرش تسامح در ادله سنن از ضعف سند در برخی موارد چشم پوشی می کند. مجلسی از این منبع بیش از سیصد مورد مستقیم و ده ها مورد نیز به واسطه مکارم الاخلاق حسن بن فضل طبرسی نقل حدیث کرده است.

۳۰. همان، ج ۱، ص ۴۴.

۳۱. همان، ص ۳۸ - ۳۹ و ۴۳.

نسبت به دو گروه دیگر است:

گروه اول. عده‌ای از دانشوران شیعه در اعتبار برخی از منابع دیگر - که توسط مجلسی معتبر شمرده است - خدشه وارد کرده‌اند؛ مثل تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام و الاحتجاج طبرسی که مجلسی به دلیل معروف بودن و اخذ متأخران از آن دو و اعتماد صدوق بر تفسیر منسوب به امام و ثنای سید بن طاوس بر الاحتجاج بر آنها اعتماد می‌کند و صدوق را از احمد بن حسین غضائری از جهت زمان و آگاهی برای قضاوت در مورد تفسیر منسوب به امام سزاوارتر می‌داند.^{۳۲}

گروه دوم. برخی از شاگردان مجلسی، مثل سید نعمت الله جزائری و ملا ذوالفقار اصفهانی و برخی دیگر از دانشوران حدیث محور شیعه، مثل محدث نوری، علامه امینی و آیه الله مرعشی نجفی و ... اشکال اعتبار برخی منابع یاد شده از سوی مجلسی و سایرین را مرتفع دانسته و به اشکالات پاسخ داده‌اند؛ مثلاً جزائری، نوری و مرعشی اشکالات بر اعتبار *عوالی اللئالی* را - که در *بحار الأنوار عوالی اللالی* ضبط شده، پاسخ داده‌اند.^{۳۳} ملا ذوالفقار در نامه خویش به مجلسی از او می‌خواهد از برخی منابع جاافتاده، مثل ملاحم منسوب به امام صادق علیه السلام و منسوب به دانیال نبی علیه السلام را در *بحار الأنوار* استفاده نماید؛^{۳۴} در حالی که مجلسی می‌گوید:

وجدت فی بعض الكتب القديمة أخباراً طویلة فی الملاحم والأحكام ترکتها لعدم الاعتماد علی آسانیدها وإن کان مروياً بعضها عن الصادق علیه السلام وبعضها عن دانیال علیه السلام.^{۳۵}

و علامه امینی برای مشارق الانوار بررسی اعتبار قایل است.^{۳۶}

۱-۳- اولویت قراین داخلی و محتوایی بر قراین خارجی در اعتبارسنجی مصادر

مجلسی از محتوای مطالب و نیکویی تألیف آنها به عظمت مؤلف و از وجود اسناد خوب در کتاب به اعتبار آن پی می‌برد؛ با آن که *عوالی اللئالی* و مؤلفش به فضیلت شهرت دارد^{۳۷} و در اسناد اجازات نیز وجود دارد،^{۳۸} ولی وجود برخی روایات عامه و ضعیف المتن در آن سبب

۳۲. همان، ج ۱، ص ۲۸.

۳۳. «رساله الردود» در مقدمه *عوالی اللئالی*، ص ۷؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۴۴.

۳۴. *بحار الأنوار*، ج ۱۰۷، ص ۱۷۲.

۳۵. همان، ج ۵۵، ص ۳۳.

۳۶. *الغدیر*، ج ۷، ص ۳۳-۳۸.

۳۷. *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۳۱.

۳۸. همان، ج ۱۰۵، ص ۱۸.

شده مجلسی به او و کتابش اعتماد کامل نداشته باشد. بنا براین، برای اعتماد به مصادر، نزد وی قراین محتوایی مهم تراسست؛ چنان که این مطلب در مورد مصباح الشریعه هم مشاهده شد.

وی در مورد کتاب های مصباح الأنوار هاشم بن محمد، تحف العقول ابن شعبه حزانى، کفایة الاثر خزاز قمی، التمهیص منسوب به محمد بن همام والمزار الکبیر محمد بن جعفر مشهدی به ترتیب می نویسد:

کتاب مصباح الأنوار مشتمل علی غرر الأخبار و یظهر من الکتاب أن مؤلفه من الأفاضل الکبار...^{۳۹} کتاب تحف العقول عثرنا منه علی کتاب عتیق و نظمه یدل علی رفعة شأن مؤلفه...^{۴۰} کتاب الكفایة... و تألیفه أدل دلیل علی فضله وثقته و دیانتته...^{۴۱} کتاب التمهیص متانتته تدل علی فضل مؤلفه...^{۴۲} المزار الکبیر یعلم من کیفیة إسناده أنه کتاب معتبر...^{۴۳}

۱-۲. اعتبار بحار الأنوار نزد مجلسی از جهت احادیث آن

مجلسی معتقد است تنها منبع دقیق و کامل در مباحث دینی در کنار قرآن فرمایش های پیشوایان معصوم علیهم السلام است.^{۴۴} از این رو، او در مباحث علم الحدیثی نیز پیش از هر منبع به احادیث مراجعه می کند.^{۴۵}

وی معتقد است روش محدثان متقدم - که به عصر امامان نزدیک تر بودند - از روش متأخران صحیح تراسست؛ زیرا آنان برای قطعی الصدور بودن روایات قراینی داشته اند که برخی از آنها هنوز هم باقی است. براین اساس، او کتب اربعه و سایر تألیفات و اصول معتبر حدیثی پیش از شیخ طوسی را - که در کتب رجال ذکر شده - جایز العمل می داند.^{۴۶} بنا بر این، وی بیشتر احادیث جامع خویش را - که بی واسطه و یا با واسطه از آثار متقدمان است - بر اساس تعریف حدیث صحیح نزد متقدمان، صحیح می داند؛ با این وجود وی علاوه بر تلاش های ارزنده فقه الحدیثی، دیدگاه های رجالی قابل توجهی دارد و به بررسی سندی

۳۹. همان، ج ۱، ص ۴۰.

۴۰. همان، ص ۲۹.

۴۱. همان.

۴۲. همان، ص ۳۴.

۴۳. همان، ص ۳۵.

۴۴. همان، ص ۳.

۴۵. رک: همان، ج ۲، ابواب ۲۱ - ۳۳، ص ۱۵۸ - ۲۸۳.

۴۶. ملاذ الاخیار، ج ۱، ص ۲۶ - ۲۷.

احادیث به روش متأخران هم پرداخته است.

۱-۲-۱. دیدگاه مجلسی در باره ارزیابی سندی احادیث

مجلسی سند حدیث را همچو پایه و اساس برای آن می‌داند^{۴۷} وی می‌گوید:

حذف سند سبب از بین رفتن تشخیص میان اخبار از جهت قوت و ضعف و کمال و نقص آنها می‌شود؛ زیرا به واسطه مخبرشان خبر روشن می‌شود و با اعتماد بر راویان بر والا بودن روایت دلالت می‌شود.^{۴۸}

براین اساس، مجلسی ذکر کامل سند را با رعایت اختصار در باره راویان به شرحی که به تفکیک منابع اصلی در مقدمه بحار الانوار داده، برمی‌گزیند.^{۴۹} وی در بحار الانوار برای حدود ده درصد از روایات، بیش از یک سند ذکر می‌کند و پس از اتمام حدیث به سند دیگری از همان منبع یا منابع دیگر رجوع می‌دهد.

مجلسی دارای اطلاعات بسیاری در حوزه‌های اسناد و راویان روایات بوده است؛ به طوری که شاگردش افندی، از او با عنوان «استاد الاستناد» بسیار یاد کرده است^{۵۰} و کتاب الوجیزه را در این موضوع نگاشته است. با این که مجلسی به شیوه متقدمان، کاربرد اصلی علم رجال را در جمع بین اخبار و حلّ احادیث متعارض می‌داند،^{۵۱} وی در ارزیابی سندی خویش در *مرآة العقول* طبق آمار، بیش از پانصد تعبیر جدید و متنوع در این حوزه، ارائه کرده است^{۵۲} و در برخی موارد مخالفت خویش را با رجالیان اعلام نموده است.

مثال ۱. ... اگر نظر ما در مورد سند حدیثی مخالف دیگران بود، با قید «علی المشهور» مشخص می‌کنیم.^{۵۳}

مثال ۲. اعتماد بر رجال ابن غضایری سبب ردّ بیشتر احادیث کتب مشهور می‌شود.^{۵۴}

مثال ۳. مجلسی پس از نقل تشریف سعد بن عبدالله قمی به محضر امام عصر علیه السلام در کودکی آن حضرت از کمال الدین صدوق با استدلال به متن و محتوای حدیث، امکان

۴۷. *مرآة العقول*، ج ۱، ص ۳.

۴۸. *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۴۸.

۴۹. همان، ص ۴۸-۶۲.

۵۰. برای نمونه رک: *ریاض العلماء*، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۹ و ۲۲ و ۲۴.

۵۱. *ملاذ الاخیار*، ج ۱، ص ۲۷.

۵۲. «ارزیابی اسناد الکافی از منظر علامه مجلسی در *مرآة العقول*»، ص ۱۶۹.

۵۳. *ملاذ الاخیار*، ج ۱، ص ۲۱.

۵۴. *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۴۱.

ملاقات سعد با امام عسکری علیه السلام و ترجیح نظر صدوق بر دیگران، جعلی بودن حکایت توسط برخی از شیعیان را مردود دانسته و می‌گوید:

جرم بیشتر مذمومین توسط رجالیان جز نقل این گونه احادیث نیست.^{۵۵}

بنا بر این، مجلسی بیش از سخن رجالیان به نگاشته‌های راویان اهمیت می‌داده است. از دیدگاه وی همان طور که از وثاقت راوی می‌توان صحت روایت را فهمید، از صحت مطلب هم می‌توان شأن راوی را فهمید. این دیدگاه شواهدی در روایات دارد؛ از جمله فرمایش امام رضا علیه السلام به ابن سکیت در بحث حجیت عقل برای تشخیص راوی راست‌گواز دروغ‌گو.^{۵۶} شاید مجلسی در این دیدگاه از سید بن طاوس اثر پذیرفته باشد؛ چنان که همچو سید بن طاوس برخی راویان را که علمای رجال تضعیف نموده‌اند؛ مثل مفضل بن عمر، محمد بن جمهور عمی و محمد بن سنان، مورد اعتماد می‌داند.^{۵۷}

مجلسی اعتماد به برخی از منابع مثل کتاب‌های نرسی و زید زراد از اصحاب امام صادق علیه السلام و کتاب تفسیر فرات الکوفی را جایز می‌داند. دلیل وی نقل محدثان بزرگ مثل صدوق از آنها و موافقت مطالبشان با احادیث معتبر است.^{۵۸}

۱- ۲- ۱- ۱. تأثیر موضوع حدیث بر اهمیت بررسی سندی

اهمیت سند در موضوعات مختلف حدیثی یکسان نیست؛ محققان معتقدند بررسی سندی حدیث به روش متأخران در ابتدا توسط علامه حلی به قصد روایات فقهی ابداع شده است^{۵۹} و توجه به سند بیشتر در احادیث فقهی اهمیت دارد؛^{۶۰} چنان که روایات صحیح تا معتبر بر اساس *مرآة العقول* در *فروع الکافی* ۴۹/۱ درصد و در *اصول الکافی* ۳۵/۲ درصد است.^{۶۱} بدون تردید، داشتن سند متصل و عاری از عیب در سایر موضوعات حدیثی، به عنوان قرینه مهمی برای اعتماد بر خبر محسوب می‌شود، ولی چنان که گذشت، قراین و

۵۵. همان، ج ۵۲، ص ۸۸-۸۹.

۵۶. *الکافی*، ج ۱، ص ۲۵؛ *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۱۰۵.

۵۷. رک: *اندیشه‌شناسی محدثان حله*، ص ۱۰۷-۱۰۸؛ *بحار الأنوار*، ج ۳، ص ۵۵؛ *مرآة العقول*، ج ۱، ص ۱۰۶ و ۱۷۱؛ ج ۲، ص ۴۳۸.

۵۸. *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۳۷ و ۴۳-۴۴.

۵۹. *اندیشه‌شناسی محدثان حله*، ص ۲۸۲.

۶۰. رک: «تصحیح و تحقیق متون حدیثی»، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۶۱. «ارزیابی اسناد *الکافی* از منظر علامه مجلسی در *مرآة العقول*»، ص ۱۷۴.

دلالت‌های متنی نزد مجلسی مهم‌تر است. در موضوعات اعتقادی، اخلاقی، قصص، تاریخی، طبیعیات و مستحبات و ادعیه استفاده از احادیث غیر صحیح از جهت سندی به منظور تکمیل خانواده‌های حدیث و نتیجه‌گیری از تدبیر در مجموعه‌ای از احادیث یک موضوع در بحار الأنوار بسیار دیده می‌شود^{۶۲} که البته این احادیث غالباً نزد مجلسی معتبر بوده است.

مجلسی در مقدمه بحار الأنوار به سهل بودن بحث سند و کم اهمیت‌تر بودن آن در مورد کتب ادعیه، مواعظ و قصص، برای کتاب‌های تحف العقول، طب الأئمه، الدعوات و قصص الانبیاء راوندی، قیس المصباح، العیون و المحاسن لیشی، بر اساس قاعده «تسامح در ادله سنن» اشاره دارد.^{۶۳}

البته این قاعده در میان متقدمان معروف بوده است و به دلایل نقلی، مثل اخبار «من بلغ»^{۶۴} و عدم ناسازگاری محتوای آنها با عقل، بر آنها اعتماد می‌کردند؛ چنان که مؤلف تحف العقول یک دلیل حذف اسناد را از کتابش این گونه بیان نموده است:

لأن أكثره آداب و حکم تشهد لأنفسها.^{۶۵}

۱-۲-۲. دیدگاه مجلسی در مورد متن احادیث

متن حدیث، بخش اصلی آن است که مانند قرآن، باید توسط هر مسلمان حقیقت‌جویی مورد تعقل و تدبیر قرار گیرد. مجلسی در پیروی از محدثان متقدم، بیشتر متن محور است. بیانات و شرح‌های عالمانه مجلسی بر احادیث نمایانگر اهمیت فقه الحدیث نزد وی است. او در بسیاری از موارد تشویش و اضطراب متن حدیث را از طریق صحیح‌ترین نسخه‌ها و قراین دیگر، برطرف می‌کند. وی در مواردی بر اساس مضمون بالای حدیث به صحت آن حکم می‌کند.

مثال ۱. مجلسی پس از نقل دوازده حدیث از «طُرف سید بن طاوس پنج دلیل بر صحت و اعتبار آنها می‌آورد و سپس می‌نویسد: ...ألفاظ الروایات و مضامینها شاهدة علی صحتها»^{۶۶}.

مثال ۲. مجلسی در مورد یکی از منابع دعایی بحار الأنوار که احتمال می‌دهد تألیف

۶۲. رک: آشنایی با بحار الأنوار، ص ۲۲۷.

۶۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۹-۳۴.

۶۴. همان، ج ۲، ص ۲۵۶.

۶۵. تحف العقول، ص ۳.

۶۶. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۹۵.

تلعکبری باشد، می نویسد:

کتاب قدیمی که کلش در موضوع دعاهاست و شامل دعاهای کامل، بلیغ و کمیابی است که ازهریک از آنها نورا عجاز و فهم می‌تابد و هر عبارتی از عبارات آنها گواه حقیقی است براین که از امامان مردمان و فرمانروایان کلام صادر شده است.^{۶۷}

مثال ۳. مجلسی دلیل صحت رساله‌های توحید مفضل بن عمر و اهلیلجه را سیاق متن و محتوای آنها می‌داند (همو، ۱/۳۲) و در جای دیگر پس از اشاره به جلالت مفضل بن عمر و محمد بن سنان می‌نویسد:

... متن دو خبرگواهی راست بر صحت آنها است و همچنین شامل دلایلی است که فایده علمی آنها بر صحت خیر متوقف نیست.^{۶۹}

عبارت اخیر نشان می‌دهد گاهی احادیث، به دلیل استوار بودن بر منطق و استدلال از جهت علمی مفید هستند. از این رو، مجلسی برخی از مطالب بحار الأنوار را، به خصوص در «کتاب السماء و العالم» بدین منظور آورده است تا بیشتر به عنوان یک مطلب علمی مورد بحث قرار گیرد؛ مثلاً وی در برخی مطالب حدیث ذهبیه منسوب به امام رضا علیه السلام^{۷۰} تردید کرده است.^{۷۱} یکی از محققان می‌گوید:

دیدگاه خاص مرحوم مجلسی نسبت به روایات کتاب «السماء و العالم» دقیقاً روشن نیست.^{۷۲}

۲. روش شناسی بحار الأنوار با بررسی در مجلد هفتم آن

به دلیل نقش محوری بحث امامت در اسلام و هدایت انسان‌ها، مجلسی از ۲۵ مجلد بحار الأنوار، هفت مجلد آن^{۷۳} را به ابواب اعتقادی و تاریخی امامت و دوازده امام علیهم السلام

۶۷. همان، ج ۱، ص ۳۳.

۶۸. همان، ص ۳۲.

۶۹. همان، ج ۳، ص ۵۵.

۷۰. همان، ج ۵۹، ص ۳۰۶ - ۳۲۸.

۷۱. رک: «تردیدهای آشکار و نهان علامه مجلسی در مورد حدیث ذهبیه»، ص ۱۲۵.

۷۲. یادنامه علامه مجلسی، «روش شناسی بحار الأنوار»، ج ۳، ص ۲۳۸.

۷۳. از مجلد ۷ تا ۱۳ که در چاپ ۱۱۰ جلدی بحار الأنوار، (از جلد ۲۳ تا ۵۳) است.

اختصاص داده است. البته حمایت پادشاهان صفوی از روش های گوناگون برای تقویت تشیع در ایران نیز در روند تألیفات مجلسی بی تأثیر نبوده است.

۲-۱. محورهای موضوعات و منابع مجلد هفتم بحار الأنوار

مجلد هفتم بحار الأنوار اولین مجلد در بحث امامت و با عنوان «کتاب الامامة دارای ۱۵۰ باب در هشت بخش در موضوعات اصلی امامت مثل ضرورت وجود امام در زمین، آیات مربوط به امامت از جهت تفسیر یا تأویل، ویژگی های امام منصوص به ویژه علم، عصمت و چگونگی خلقت و ولادت و مماتشان، فضایل و مناقب امام معصوم در دنیا و آخرت، که منقولات آن ۳۷۴۱ مورد حدیث است و با افزودن ارجاعات پس از احادیث به آنها این تعداد به ۴۲۸۷ می رسد. تعداد بسیار اندکی از آن موارد، سخن دانشوران شیعی است؛ مثل سه باب آخر که به ترتیب احتجاجات شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طبرسی را در بحث امامت در برمی گیرد.

تعداد منابع اصلی در این مجلد ۸۶ مورد است که از آن میان سه مورد، از منابع اهل تسنن جهت تأیید مورد استفاده واقع شده است. منابع تفسیری و کلامی مورد استفاده در توضیحات علامه مجلسی علاوه بر مجمع البیان طبرسی، العقائد شیخ صدوق و مقالات شیخ مفید، عبارت اند از: انوار التنزیل بیضاوی، معانی القرآن فزّاء، الکشاف زمخشری، مفاتیح الغیب فخر رازی، الشافی فی الامامة و الغرر و الدرر شریف مرتضی، احقاق الحق تستری و تعلیقات میرداماد بر رجال الکشی.

همچنین در این مجلد از منابع ادبی، مثل الصحاح جوهری، قاموس المحيط فیروزآبادی، النهایة ابن اثیر جزری، المغرب و المعرب مطرزی، المفردات راغب اصفهانی و الفائق زمخشری استفاده شده است.

۲-۲. دسته بندی مصادر در مجلد هفتم و چگونگی آنها از حیث سند

در مجلد هفتم بحار الأنوار در یک تقسیم بندی از ۸۶ منبع، ۴۵ منبع به قبل از شیخ طوسی یا همزمان با او (متقدم) تعلق دارد که بیش از ۷۳ درصد از احادیث را تشکیل می دهد و ۴۱ منبع نیز پس از شیخ طوسی مدون شده (متأخر) که کمتر از ۲۷ درصد احادیث کتاب امامت بحار را شامل می شود.

در تقسیم بندی دیگر، منابع از جهت سند به قرار ذیل است:

الف) منابع دارای احادیث مسند (۲۸ مورد): بصائر الدرجات، الکافی، المحاسن، قرب

الأسناد وكامل الزيارات، نه مورد از كتب شيخ صدوق (اكمال الدين، عيون اخبار الرضا عليه السلام، علل الشرايع، معانى الاخبار، الخصال، الأمالى، ثواب الأعمال، التوحيد وفضائل الشيعة)، الغيبة نعمانى، الغيبة، التهذيب والامالى شيخ طوسى، المجالس شيخ مفيد، كفاية الأثر، رجال الكششى، المناقب (محمد بن احمد بن شاذان)، بشارة المصطفى، كتاب سليم بن قيس هلالى، فرحة الغرى، كتاب حسين بن سعيد والنوادر، كتاب جعفر بن محمد بن شريح و مقتضب الأثر.

بیش از ۵۴ درصد احادیث مجلد هفتم از این منابع است.

(ب) منابعی که تمام احادیث کتاب با چند سند از یک معصوم نقل شده است (چهار مورد): صحیفة السجادية، تفسیر الامام العسکرى عليه السلام، صحیفة الرضا عليه السلام و تفسیر النعمانى.

مقدار استفاده از این منابع، اندکی بیش از یک درصد (۱٪) است.

(ج) مصادری که احادیث قابل توجهی از آن دارای سند ناقص است (یازده مورد): الاختصاص، الارشاد، كنز الفوائد كراچكى، تفسیر القمى، الغارات، تفسیر فرات الكوفى، تفسیر العیاشى، الاحتجاج، الخرائج و الجرائح، رياض الجنان، صفوة الاخبار. از این منابع نزدیک به بیست درصد استفاده شده است.

(د) منابعی که شامل روایات بدون سند و یا عقیده مؤلف^{۷۴} است (۱۵ مورد):

نهج البلاغه، تحف العقول، روضة الواعظین، الدعوات، اعلام الدین، ارشاد القلوب، مشارق الأنوار، الفضائل، الروضة فى فضائل امیر المؤمنین عليه السلام (جبرئیل بن شاذان)، فقه الرضا، اثبات الوصية، فردوس الاخبار ابن شیرویه دیلمی (از علمای اهل تسنن در قرن ۵ و ۶)، جامع الاخبار، العقائد شيخ صدوق و المقالات شيخ مفيد.

از این منابع کمتر از سه درصد بهره برده شده است.

(ه) منابع متأخر که بیشتر از كتب و اصول اولیه حدیثی معتبر متقدم در فریقین با ذکر همان سند نقل حدیث می کنند (۲۴ مورد): السرائر، المناقب ابن شهر آشوب، مصباح الأنوار، اعلام الوری، مجمع البیان، شش کتاب سید بن طاوس (الطرائف، محاسبة النفس، كشف اليقين، سعد السعود، امان الأخطار و اقبال الأعمال)، تأویل الآيات، قصص الانبياء قطب راوندی، النوادر فضل الله راوندی، العمدة والمستدرک (ابن بطریق)، كشف الغمة (در برخی موارد به منبع حدیث اشاره نمی کند)، الاستدراك شهيد اول، كشف الحق علامه حلى،

۷۴. منظور از عقیده مؤلف، سخن او در بحث امامت است که منشأ آن آیات و روایات معتبر است؛ مثل عقاید شيخ صدوق و مقالات شيخ مفيد.

مختصر البصائر، المحتضر و تفضیل الائمة علی الانبیاء حسن بن سلیمان حلی، جامع الاصول ابن اثیر، الدر المنثور.

از این منابع در مجلد هفتم بیش از ۲۱ درصد استفاده شده است. (و منابع وجاده ای و غیر معلوم (چهار مورد): کتاب العتیق (مشمول بر مناقب اهل بیت علیهم السلام)، روایتی از کفعمی، احادیثی به خط شهید اول، احادیثی از تألیفات شیعه. مقدار استفاده از این منابع در این مجلد بحار، کمتر از ۰/۲ درصد است. علاوه بر دو تقسیم بندی یاد شده می توان از تقسیم دیگری هم یاد کرد: منابع مورد اعتماد علامه و منابعی که خود علامه مجلسی هم بر آنها اعتماد کامل ندارد و با وجود نقل احادیثی از آنها که در بیشتر موارد مضامینش موافق سایر احادیث صحیح است، در حکم به صحت آنها توقف کرده و علمش را به اهل بیت علیهم السلام واگذار می کند (پنج مورد): مشارق الانوار، جامع الأخبار، ریاض الجنان، صفوة الأخبار و کتاب العتیق. اگر به پنج مورد یاد شده، منابع وجاده ای را هم بیافزاییم، باز هم مقدار استفاده علامه مجلسی از آنها در مجلد هفتم کمتر از یک درصد (۱٪) است. مجلسی بر سایر منابع اعتماد دارد.

درصد تقریبی استفاده از هریک از منابع در مجلد هفتم در جدول شماره یک و درصد تقریبی استفاده از منابعی با ویژگی های یاد شده در جدول شماره ۲ به پیوست خواهد آمد.

۲-۳. روش انتخاب احادیث از مصادر و ترتیب روایات مجلد هفتم

مجلسی به جزئیات روش خود در نحوه انتخاب روایات از مصادر و ترتیب آنها در بحار الأنوار اشاره ننموده است، ولی با مشاهده فهرستی که ابتدا برای ده منبع نگاشته بود، روشن می شود مبنای اصلی او آن فهرست بوده است.^{۷۵} البته از سایر کتب به ویژه الکافی هم در ترتیب ابواب اثر پذیرفته است. از مشاهده ابواب گوناگون بحار الأنوار روشن می شود او مجموعه ای از روایات یک باب از یک منبع و یا مجموعه هایی از روایات چند باب از چند منبع از منابع بحار الأنوار را در باب خاصی می آورد، و در بیشتر موارد، ترتیب آنها را نسبت به منبع اصلی تغییر داده و گاهی روایات باب خاص منبع اصلی را با توجه به تنوع بیشتر ابواب و موضوعات در بحار الأنوار، در چند باب قرار می دهد. دقیقاً روشن نیست دلیل ترجیح یک منبع بر منبع دیگر نزد مجلسی چه بوده است، ولی به احتمال زیاد، تناسب بیشتر موضوع

۷۵. رک: بحار الأنوار، ج ۱۰۳.

باب خاص در بحار الأنوار با موضوع اصلی مصدر، تقدم در اعتبار و تقدم زمانی در تألیف از اسباب این ترجیح نزد او بوده است. پس از آوردن مجموعه‌ای از روایات، روایات به صورت منفرد از برخی منابع در لا به لای روایات و یا در آخر باب آورده می‌شود که انتخاب این روایات برای باب‌ها بیان گراشراف بسیار مجلسی به متون و موضوعات روایات منابع گوناگون است. گرچه ترتیب روایات بر اساس تقریب موضوعشان در بیشتر موارد مشهود است، ولی احتمال دارد مجلسی گاهی برای تنوع، ترتیب مطالب و مصادر را در یک باب طولانی و یا نسبتاً طولانی کمی تغییر دهد تا خواننده اولاً بر اثر یک‌نواختی، دچار خستگی نشود و ثانیاً به توافق محدثان بر مضمون مطلب و وحدت نظر دانشوران شیعه در طول تاریخ حدیث شیعه پی برد و در نتیجه مبانی کلامی مکتب تشیع تقویت گردد.

مثلاً مجلسی در همین کتاب، باب اول «الاضطرار إلى الحجّة وأن الأرض لا تخلو من حجّة» - که نامش حاصل عطف ابواب اول و پنجم کتاب الحجّة الکافی است^{۷۶} - به روش معمول خود، ابتدا دو آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^{۷۷} «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»^{۷۸} را بیان نموده، و سپس تفسیر آیه اول را از طبرسی در ابتدای باب می‌آورد و نظر خویش را اعلام می‌کند، و تفسیر آیه دوم را از بیضاوی و طبرسی در اواسط باب پس از حدیث ۵۱ می‌آورد. مجلسی پس از آیات، ۱۱۸ حدیث از چهارده منبع مشخص آورده است که به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: کمال الدین (۴۳ مورد)، بصائر الدرجات (۲۶ مورد)، علل الشرائع (۲۵ مورد)، مشترکاً عیون الاخبار الرضا علیه السلام و علل الشرائع (۵ مورد)، الغیبة نعمانی (۵ مورد)، تفسیر القمی (۴ مورد)، قرب الاسناد (۲ مورد)، الاختصاص، الامالی طوسی و الکافی و الاحتجاج و تأویل الآیات و قصص الانبیاء راوندی و مشترکاً کمال الدین، الامالی، علل الشرائع و مشترکاً کمال الدین و الامالی (هر کدام ۱ مورد). ۳۷ مورد هم به منابع دیگر ارجاع داده است که علاوه بر منابع یاد شده، شامل المحاسن برقی، رجال الکشی، الغیبة شیخ طوسی و المناقب ابن شهر آشوب هم می‌شود.

حدیث اول این باب از امام صادق علیه السلام «إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَيٍّ يَعْرِفُ» و محتوای آن خلاصه سایر مطالب احادیث این باب است. با این که این مضمون در بصائر الدرجات و الکافی هم است، ولی مجلسی آن را از الاختصاص (منسوب به شیخ

۷۶. الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸ و ۱۷۸.

۷۷. سوره رعد، آیه ۷.

۷۸. سوره قصص، آیه ۵۱.

مفید) نقل کرده است و به دو سند دیگر از اختصاص هم ارجاع داده است. احادیث ۲ تا ۶ این باب، پنج حدیث از نه حدیث «باب فی أئمة آل محمد ﷺ أنهم الهادون یهدون إلی ما جاء به النبی ﷺ» بصائر الدرجات^{۷۹} با تغییر در ترتیب، و در تفسیر آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» است. سایر احادیث این باب از بصائر چون هدایت‌گری امام علی علیه السلام را مطرح نموده در ابواب خاص امام علی علیه السلام آورده شده است.^{۸۰}

حدیث ۷ باب اول کتاب امامت - که در آن امام محمد باقر علیه السلام مراد از هدایت‌گران را در آیه «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» امامان علیهم السلام معرفی می‌کند - از بابی دیگر از بصائر است، ولی چون موضوعش مثل احادیث قبل وجود هدایت‌گزار سوی خدا در زمین است، مجلسی اینجا آورده است. این حدیث در جلد ۲۴ بحار از الکافی نقل شده و به المناقب ابن شهر آشوب، و بصائر الدرجات هم ارجاع داده می‌شود.^{۸۱}

احادیث ۸ و ۹ از کمال الدین، «باب فی نوادر الکتاب»،^{۸۲} به ترتیب در تکمیل تفسیر آیه ۷ سوره رعد آورده شده است.

احادیث ۱۰ و ۱۱ همان احادیث ۲۲ و ۲۳ باب «العله التي من أجلها يحتاج إلى الإمام علیه السلام» کمال الدین است.^{۸۳} در این احادیث محتوا بیشتر استدلالی می‌شود و هدایت تکوینی و تشریحی امام در آنها شرح داده می‌شود. البته بسیاری از این موارد در منابع دیگر هم هست که مجلسی معمولاً به منابع معمول در این باب، ارجاع می‌دهد؛ مثلاً حدیث ۱۱ را به الکافی ارجاع نداده، مگر آن که بخواهد در ادامه آن را از منبع خودش نقل کند؛ مثلاً حدیث ۴ را به الغیبة نعمانی ارجاع نداده، ولی به رقم ۱۱۵ از الغیبة نعمانی آن را نقل کرده است و یا حدیث ۶۵ این باب را از کمال الدین نقل کرده؛ در حالی که در بصائر الدرجات هم هست و مجلسی تحت رقم ۱۰۶ از بصائر الدرجات آورده است و تکرار را بر ارجاع سندی ارجح دانسته است.

موضوع اصلی حدیث ۱۱ استدلال بر امامت است و خود متن دلالت بر درستی مطلب دارد، ولی در آن به اهمیت قلب و مغز آدمی نسبت به سایر اعضا اشاره شده است. از این رو، مجلسی آن را در «کتاب السماء والعالم»، جلد ۵۸ هم

۷۹. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۹-۳۱.

۸۰. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۰۲.

۸۱. همان، ج ۲۴، ص ۱۴۶.

۸۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۷.

۸۳. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۷.

می آورد.^{۸۴} شاید در آنجا اهمیت منابع نزد او بیشتر بوده که از الامالی صدوق استفاده کرده تا بگوید صدوق این مطلب را صحیح می دانسته است.

این تنوع در ادامه باب اول «کتاب امامت» بحار الأنوار، جاری است و حضور علمی مجلسی در ارتباط محتوای مطالب هویدا است، استفاده مجموعه ای از احادیث در این باب از علل الشرائع، کمال الدین، بصائر الدرجات و الغیبة نعمانی مشاهده می شود.

مثال اول. مجلسی تمام ۳۲ حدیث باب «العله التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله - عز وجل - على خلقه» علل الشرائع^{۸۵} را به جزیک مورد در احادیث ۱۵ الی ۴۳ بحار الأنوار آورده است؛ احادیث ۱ تا ۱۶ علل الشرائع همان احادیث ۱۵ تا ۳۰ این باب است؛ جز آن که حدیث ۱۶ بحار الأنوار از تفسیر القمی در لا به لای این ترتیب وارد شده است، و حدیث ۸ علل الشرائع، در حدیث رقم ۶۰ بحار الأنوار از کمال الدین آمده و به علل الشرائع ارجاع داده شده است. البته چون راوی آخر و مضمون احادیث ۸ و ۹ علل الشرائع یکسان است، ممکن است مجلسی آن دو را یک حدیث می دانسته، و به همین دلیل آن را نقل نکرده باشد. احادیث ۱۷ تا ۲۱ علل الشرائع در موارد ۳۹ تا ۴۳ بحار الأنوار قرار گرفته، و احادیث ۲۲ الی ۳۲ علل الشرائع در بحار الأنوار با ارقام ۳۱ الی ۳۸ قرار گرفته است، ولی چون احادیث ۲۳ و ۲۹ علل الشرائع و نیز ۲۴ و ۳۰، و نیز ۲۵ و ۳۱ یکی بوده است، از تکرار پرهیز نموده و شش حدیث را در ارقام ۳۷، ۳۲ و ۳۳ آورده است، ولی گاهی مجلسی به پیروی از صدوق احادیث را تکرار نموده است؛ مثلاً احادیث ۴ و ۲۲ علل الشرائع فقط اختلاف جزئی در وسط سند دارد، ولی مجلسی به رقم های ۱۹ و ۳۱ طبق ترتیب نقل کرده است و یا احادیث ۵، ۱۶ و ۱۸ علل الشرائع یکی است با سه سند و به ترتیب احادیث ۲۰، ۳۰ و ۴۰ بحار الأنوار شده است. حدیث ۱۶ بحار الأنوار - که خود دو حدیث بوده، ولی قمی پشت سر هم آورده - مثل پلی است که یک سوی آن مرتبط با احادیث قبل است و سوی دیگر - که احتمالاً نقل به معنا عبارت حدیث ۱۷ باشد - رابط محتوایی با احادیث بعد است.

مثال دوم. احادیث ۵۵ تا ۶۴ بحار الأنوار به ترتیب احادیث ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ از باب «العله التي من أجلها يحتاج إلى الإمام عليه السلام» کمال الدین است که ۲۳ حدیث دارد^{۸۶} و به احادیث ۱، ۸، ۱۱، ۱۵ و ۱۶ باب مذکور کمال الدین در احادیث دیگر از باب

۸۴. همان، ج ۵۸، ص ۲۴۸.

۸۵. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۹۵ - ۲۰۱.

۸۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۱ - ۲۰۸.

باب مورد بحث بحار الأنوار ارجاع داده شد، حدیث ۹ کمال الدین همان حدیث ۳ است، با سندی کامل تر که مجلسی سند حدیث ۹ را ذکر کرده، احادیث ۱۷ تا ۲۱ کمال الدین در سایر ابواب کتاب امامت آورده شده و یا به آنها ارجاع داده شده است، و احادیث ۲۲ و ۲۳ هم که در باب مورد بحث بحار الأنوار، به ارقام ۱۰ و ۱۱ آمده است.

مثال سوم. باب «الأرض لا یخلو من الحجّة و هم الأئمة علیهم السلام» بصائر الدرجات، هفده حدیث دارد^{۸۷} که دوازده حدیث آن به ارقام ۳، ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷ و ۱۰ به ترتیب در ارقام ۹۵ الی ۱۰۶ باب مورد نظر بحار الأنوار جای گرفته است.

حدیث ۱۰۷ الی ۱۱۰ بحار نیز به ترتیب، احادیث ۲ الی ۵ باب بعدی در بصائر الدرجات «فی الأئمة أن الأرض لا تخلو منهم و لو كان فی الأرض اثنان لكان أحدهما الحجّة» است^{۸۸} و با این که مضمون سه مورد آخر یکی است و راوی آخر به ترتیب، حمزة بن طیار و ابن عمارة بن طیار و ابو عمارة بن طیار است، مجلسی در مورد وحدت آنها سخنی نگفته است.

حدیث ۱۰۰ در المحاسن برقی هم آمده است و مجلسی در باب «أن عندهم جمیع علوم الملائكة و...»^{۸۹} از المحاسن نقل کرده است و در آن باب، احادیث ۵۵ تا ۶۰ را از باب «لا تخلو الأرض من عالم» المحاسن - که دوازده حدیث دارد^{۹۰} - نقل کرده است. مجموعه احادیث باب یاد شده از المحاسن عیناً در کتب دیگر مثل بصائر الدرجات، الکافی و آثار صدوق و... هم هست و علامه مجلسی گاهی احادیث تکراری را از چند منبع در چند جا ذکر می کند و گاه از یک منبع ذکر می کند و به سایر منابع ارجاع می دهد. یک جا اصل را بر انتخاب احادیث از المحاسن می گذارد و در یک جا اصل را در انتخاب آنها از بصائر الدرجات یا سایر کتب متقدم می گذارد؛ مثلاً در باب «نفی الغلو فی النبی و الأئمة صلوات الله علیه...» - که ۹۴ حدیث دارد^{۹۱} - ۵۸ حدیث از رجال الکشی به رقم های ۲۳ الی ۲۷، ۳۹ الی ۴۴، ۴۵ الی ۸۸ و ۹۱ الی ۹۴ نقل شده است، و این استفاده مجموعه ای از منابع متأخر هم وجود دارد؛ مثلاً در باب «تفضیلهم علی الأنبیاء و علی جمیع الخلق و...» شش حدیث به ارقام ۷۰ الی ۷۵ از المحتضر حسن بن سلیمان حلی و دوازده حدیث به ارقام ۷۷

۸۷. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۸۴ - ۴۸۷.

۸۸. همان، ص ۴۸۸ - ۴۸۹.

۸۹. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۷۸، ح ۵۸.

۹۰. المحاسن، ج ۱، ص ۲۳۴ - ۲۳۶.

۹۱. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۱.

الی ۸۸ از کتاب «تفضیل الائمة علی الانبیاء» همان نویسنده ذکر کرده است^{۹۲} که چون در آخر باب آورده است، شاید حاکی از اهمیت کمتر نزد مجلسی و برای تأیید روایات قبل باشد.

در مواردی هم مجلسی به اسم مؤلف بسنده کرده و نام کتاب را نیاورده؛ از جمله می‌گوید:

أَقُولُ: قَالَ: السَّيِّدُ بْنُ طَاوُسٍ - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ - رَأَيْتُ فِي تَفْسِيرٍ مَنْسُوبٍ إِلَى الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^{۹۳}

که با تتبع روشن می‌شود، از سعد السعود ابن طاوس است، و یا می‌گوید:

وَرَوَى الْكُفَعَمِيُّ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَفْسِيرِهِ هَذَا الْكَلَامَ أَنَّهُ قَالَ.^{۹۴}

که روشن نیست از کدام اثر کفعمی است.

۲-۴. اعتبار احادیث مجلد هفتم از جهت متن و سند

مجلسی بیشتر احادیث این مجلد را از اصول و منابع اولیه حدیثی انتخاب نموده است؛ مثلاً بیش از ۲۵ درصد از *بصائر الدرجات* استفاده شده که مجلسی در مورد آن می‌گوید:

کتاب *بصائر الدرجات* از اصول معتبری است که کلینی و دیگران از آن روایت کرده‌اند.^{۹۵}

مجلسی تقریباً تمام این کتاب و *المحاسن برقی* را در *بحار الأنوار* آورده است، و بیش از سیزده درصد احادیث مجلد هفتم از کتب شیخ صدوق است، و حدود ۴/۵ درصد از *الکافی* است، و به طور کلی بیش از ۷۳ درصد، از آثار متقدمان (همزمان با شیخ طوسی و قبل از آن) و بیش از ۵۴ درصد، از منابع دارای احادیث مسند استفاده شده است. با این وجود، برای مجلسی متن و محتوای احادیث اعتبار بیشتری دارد.

علامه مجلسی در «کتاب امامت» *بحار الأنوار* ۱۹۵ مرتبه از *الکافی* نقل کرده است که بیشتر به صورت مستقیم از آن نقل می‌کند و گاهی هم با ذکر سند به آن ارجاع داده است. بر اساس بررسی سندی در *مرآة العقول* ۶۴ مورد از این احادیث از جهت سندی ضعیف، ۵۳ مورد ضعیف علی المشهور، ۲۷ مورد مجهول، ۱۱ مورد مرسل، ۶ مورد مرفوع، ۲۰ مورد صحیح،

۹۲. همان، ص ۳۰۷ - ۳۱۸.

۹۳. همان، ج ۲۳، ص ۳۳.

۹۴. همان، ج ۲۴، ص ۲۰۲.

۹۵. همان، ج ۱، ص ۲۷.

۷ مورد حسن، و ۵ مورد موثق است و در حسن یا موثق بودن دو مورد تردید کرده است. با این حساب، چون احادیث مجهول، مرسل و مرفوع هم ضعیف شمرده می‌شود و احادیث حسن و موثق نزدیک به صحیح است. می‌توان گفت که از احادیث یاد شده ۱۶۱ حدیث (نزدیک ۸۲ درصد) به معیار متأخران ضعیف و ۳۴ حدیث صحیح و یا نزدیک به آن (حدود هیجده درصد) است.

البته مجلسی برخی از احادیث ضعیف را به اعتبار متأخرین با تعابیر اجتهاد رجالی خویش به احادیث صحیح نزدیک می‌کند؛ مثلاً در مورد دو مورد از احادیث مجهول تعبیر «مجهول کالصحیح» و برای یک حدیث تعبیر «مجهول کالموثق» و برای یک حدیث نیز «مجهول کالحسن» را به کار برده و دو مورد را نیز با ارجاع به اسناد صحیح علی بن ابراهیم قمی از ضعف خارج می‌کند. گاهی پس از تعبیر «ضعیف علی المشهور» تعبیر «صحیح عندی» را قید می‌کند و گاهی با استفاده از اطلاعات علم رجالی خویش مخالفت خود را با نظر مشهور متأخرین در رجال اعلام می‌دارد؛

مثال ۱. مجلسی ذیل حدیثی در مورد ارتباط سوره قدر و مقام ولایت ائمه علیهم‌السلام^{۹۶} می‌گوید این حدیث براساس قول مشهور رجالیان به دلیل حسن بن عباس بن حریس که کتابی روایی در مورد سوره قدر داشته، ضعیف است، ولی وی شواهد بسیاری بر صحت آن دارد از جمله: ۱. دلیل تضعیف او توسط رجالیان نقل همین اخبار عالی و دشوار بوده که عقل بیشتر مردم به آن نمی‌رسد. (که از نظری مردود است) ۲. کتاب حسن بن عباس نزد محدثان مشهور بوده است. ۳. احمد بن محمد بن عیسی که محدثی محتاط بوده و برقی را به دلیل روایت از ضعف از قم اخراج کرده، از کتاب حسن بن عباس نقل کرده که روشن می‌کند نزد او معتبر بوده است.^{۹۷}

مثال ۲. مجلسی ذیل حدیثی دیگر^{۹۸} می‌نویسد:

حدیث ضعیف است ولی (به دلیل صحت محتوا) چون از ابی الخطاب قبل از انحراف اعتقادی نقل شده و دلیل مذمتش در علم رجال مشکل اعتقادی و کلامی او است، می‌توان حدیث را حسن شمرد.^{۹۹}

۹۶. همان، ج ۲۵، ص ۷۴.

۹۷. مرآة العقول، ج ۳، ص ۶۲.

۹۸. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۶۸.

۹۹. مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۳۸۷.

مثال ۳. مجلسی گاهی به صراحت محتوای عالی و شهرت را مانع ضعیف دانستن حدیث می‌داند؛ مثلاً ذیل خطبه وسیله - که عباراتی از آن را در کتاب امامت بحار آورده^{۱۰۰} - می‌نویسد:

ضعیف است ولی استواری مبانی و بلندی معانی این اخبار گواه بر صحت آنها است و به سند نیاز ندارد، علاوه بر آن که این خطبه از خطبه‌های مشهور امام علی علیه السلام است.^{۱۰۱}

بنا بر این، چون مجلسی به منابع اولیه اعتماد دارد و مانند متقدمان بیشتر متن محورانه به احادیث می‌نگرد، احادیث این ابواب به طور کلی نزد او معتبر است، به ویژه آن که موضوع احادیث، اعتقادی است و در برخی موارد محتوای استدلالی دارد و نقش سند در آنها کمتر است؛ با این حال، در برخی ابواب پذیرش صحت احادیث سخت‌تر می‌نماید؛ مثل ابواب مربوط به تأویلات آیات نازل شده در باره ائمه علیهم السلام، که بیش از ۱۵۰۰ حدیث را (حدود ۳۵ درصد) در شصت باب در بردارد.

منبع مهم مجلسی در این ابواب، تأویل الآیات علی حسینی استرآبادی است که بیش از ده درصد احادیث مجلد هفتم از آن نقل می‌شود. مجلسی مؤلف آن را شاگرد محقق کرکی دانسته که بیشتر تفسیر خود را از محمد بن عباس بن ماهیار گرفته است و می‌گوید:

نجاشی پس از توثیق او، وی را صاحب کتابی در مورد آیاتی که در باره اهل بیت علیهم السلام نازل شده، و معاصر کلینی می‌داند.^{۱۰۲}

بنا بر این، مجلسی بی‌دلیل، به کتابی از قرن دهم اعتماد نکرده است. هر چند مجلسی گاهی خود، تأویل آیه را متشابه می‌داند،^{۱۰۳} ولی به دلیل اعتماد بر منابع، هرگز آنها را غیر معتبر نمی‌داند، بلکه با توجه به نقش کلیدی ولایت اهل بیت علیهم السلام در جوانب گوناگون دین و دنیا و آخرت، آنها را به عنوان یکی از بطون آیه قابل قبول می‌داند؛^{۱۰۴} با این حال، مجلسی هر چند به ندرت، بر اساس موقعیت صدور احادیث احتمال جعل را هم می‌دهد؛ مثلاً پس از بیان احتمالاتی در باره معانی این که امامان همان سبع المثانی

۱۰۰. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹.

۱۰۱. مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۳۵.

۱۰۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۳.

۱۰۳. همان، ج ۲۳، ص ۳۹۲.

۱۰۴. برای نمونه رک: همان، ج ۲۳، ص ۸۴ و ۳۵۵.

هستند، ذیل حدیثی می نویسد:

... ولا یبعد أن تكون تلك الأخبار من روايات الواقفية أو من الأخبار البدائية وفي بعضها یحتمل أن يكون المراد بالسابع السابع من الصادق عليه السلام فلا تغفل.^{۱۰۵}

مجلسی با راه های گوناگون، از جمله تشکیل خانواده حدیثی، در رفع تعارض میان روایات می کوشد تا حتی المقدور از کنار گذاشتن احادیثی که در منابع اصیل شیعه آمده است، خودداری کند. با این وجود، محتوای حدیث واحد در یک موضوع را هر چند از منابع اصیل باشد، به دلیل تعارض با بسیاری از احادیث نمی پذیرد.^{۱۰۶} مجلسی گاهی نگرانی خود را در مورد متن نسخه ها اعلام می دارد و می گوید:

برای حقیقت جویان همین متن مشوش هم مضمون مفید را ارائه می دهد.^{۱۰۷}

ولی گاهی در مورد متشابه بودن محتوا و تعارض آن با سایر احادیث سکوت نموده است.^{۱۰۸}

۲- ۵. استفاده از منابع کم اعتبار در مجلد هفتم بحار الانوار

مجلسی در مجلد هفتم بحار الانوار کمتر از یک درصد از منابعی که خود معتبر نمی داند، بهره جسته است. در این موارد گاهی عدم اعتماد خود به منبع و یا تردید خود را در صحت احادیث اعلام کرده است.

مثال اول. مجلسی پس از نقل نه حدیث از ریاض الجنان فارسی و هفت حدیث از مشارق الانوار بررسی می نویسد:

احادیث نقل شده از دو کتاب فارسی و بررسی از جهت اعتبار در مرتبه سایر احادیث نیست و اگر چه محتوای بیشتر آنها با سایر آثار موافقت دارد و خدا به رازهای ائمه ابرار عليهم السلام داننا تراست.^{۱۰۹}

مثال دوم. مجلسی بابی را به عنوان «نادر فی معرفتهم - صلوات الله علیهم - بالنورانية و فیه ذکر جمل من فضائلهم عليهم السلام» گشوده^{۱۱۰} و در آن دو حدیث - که به نام های «نورانیت» و

۱۰۵. همان، ج ۲۴، ص ۱۱۷.

۱۰۶. همان، ج ۲۵، ص ۱۰۸ - ۱۱۰؛ رک: «علامه مجلسی و جمع روایات متعارض»، ص ۹۰.

۱۰۷. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۹۸.

۱۰۸. برای نمونه، رک: بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۴۱، ح ۷۸ از کمال الدین.

۱۰۹. همان، ج ۲۵، ص ۲۵.

۱۱۰. همان، ج ۲۶، ص ۱.

«خیط» معروف است - به پیروی از پدرش که آنها را در کتابی عتیق در باره فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام از برخی محدثان شیعه دیده، و براساس نسخه‌ای وجاده‌ای از کتاب عتیق نقل کرده است.

مجلسی پس از نقل آن دو حدیث می‌گوید:

برای این اخبار بابی جداگانه قرار دادم چون سند هایشان صحیح نیست و مضامینشان ناآشنا است. پس نه به صحت آنها حکم می‌کنیم و نه به بطلان آنها، و علمش را به امامان برمی‌گردانیم.^{۱۱۱}

براساس تحقیق حسین موسوی بروجردی این کتاب عتیق به نام المناقب چاپ شده و به محمد بن علی علوی در قرن پنجم نسبت داده شده که دارای پنجاه حدیث است. یکی از محققان، این کتاب را اثری کهن از میراث غلات می‌داند.^{۱۱۲} احادیث ۱۱ و ۳۲ المناقب، به ترتیب، همان احادیث نورانیت و خیط است. سایر احادیث آن را مجلسی نقل نکرده، فقط چند مورد آن را از منابع معتبر نقل کرده است و بیشتر احادیث آن در منابع معتبر وجود ندارد. مجلسی این دو مورد را هم به تبع پدرش آورده است. این نمونه‌ای از تأثیر عوامل محیطی در تألیف بحار الأنوار است.

مجلسی در استفاده از منابع غیر معتبر، گاهی با شرح مقداری از حدیث و عدم تردید در مورد آن، به نظر می‌رسد آن را تا حدودی پذیرفته است؛ مثلاً در انتهای باب صفات امام حدیث طولانی طارق بن شهاب را از مشارق الأنوار نقل کرده و در مورد صحت آن سکوت کرده است.^{۱۱۳}

۳. سخن نهایی در اهمیت متن محوری علامه مجلسی

با توجه به تألیف بحار الأنوار در نیمه دوم سده یازدهم و ابتدای سده دوازدهم و فاصله زمانی بیش از شش سده از تألیف کتب اربعه، یافتن مبانی علامه مجلسی برای ارزیابی و اعتبارسنجی احادیث از اهمیت خاصی برخوردار است. علامه مجلسی در فرآیند تدوین بحار الأنوار به طور ویژه، مبانی را اولویت بندی کرده است. تردید علامه مجلسی در صحت و اعتبار برخی مصادر روایی و احادیث، از پایبندی این محدث در رعایت اصولی در ارزیابی

۱۱۱. همان، ص ۱۷.

۱۱۲. «کتاب المناقب اثری کهن از میراث غلات»، ص ۱۶.

۱۱۳. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۶۹ - ۱۷۴.

احادیث حکایت دارد. آگاهی و بهره‌برداری علامه مجلسی در بررسی سندی به شیوه متأخران غیر قابل انکار است؛ با این حال، در اعتبار سنجی حدیث، این مضمون و محتوا و اسلوب متن حدیث و یا کتاب است که در دیدگاه او اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به عقیده وی از رهگذر علو مضمون روایات و استواری تالیف منابع، می‌توان به اعتبار حدیث پی برد. در هر حال، مواردی مانند احتجاج و استناد به منابع اهل سنت یا رد کردن و نقد آن منابع، صراحت وی در بیان وثوق و اختلاف نسخه‌ها و تأکید بر این نکته که آنچه از لحاظ متن و سند بی‌اشکال بوده را آورده، از مواجهه اجتهادی او در حدیث پرده برمی‌دارد و این می‌تواند گواه آشکاری بر متن محوری او در گزینش احادیث تلقی گردد.

از سوی دیگر، عام بودن موضوعات بحار الأنوار نسبت به وسائل الشیعه - که موضوعش احادیث فقهی است - و اشراف بسیار علامه مجلسی بر نسخه‌های متعدد منابع و طریق اجازات تا عصر اهل بیت علیهم‌السلام و نیز عنایت به حفظ میراث حدیثی مکتوب شیعه در تدوین دایرة المعارف بزرگ شیعی سبب شد تا وی در اعتبارسنجی مصادر گاهی به سهولت با کمترین قرینه بر آنها اعتماد کند.

نتیجه‌گیری

برآیند این تحقیق را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. اعتماد به مصادر اصیل حدیثی و تقدم بررسی محتوایی بر بررسی سندی، دو مبنای اصلی علامه مجلسی در تألیف بحار الأنوار است.
۲. دیدگاه‌های علم الحدیثی علامه مجلسی بیشتر متن محورانه است، و در این مورد از دیدگاه‌های محدثان متقدم، مثل شیخ صدوق، و اندیشوران حدیث محور متأخر، مثل سید بن طاوس اثر پذیرفته است.
۳. مجلسی در تألیف بحار الأنوار بیشتر از منابعی که اعتبار بیشتری دارند، بهره جسته و شمار بسیار کمتر احادیث منقول از منابع کم اعتبار، سبب می‌شود بحار الأنوار را مملوّ از احادیث ضعیف قلمداد نکنیم.
۴. گرچه روش مجلسی در تألیف بحار الأنوار بر محور استفاده مجموعه‌ای از احادیث از منابع قابل اعتماد نزد وی و به منظور تشکیل خانواده حدیثی است، ولی در بسیاری از موارد دلیل ترجیح مجلسی در استفاده از یک منبع نسبت به منبع دیگر، روشن نیست.
۵. با توجه به گستردگی و تنوع بسیار موضوعات و ابواب در بحار الأنوار و تأثیر آنها در

مباحث علم الحدیثی و زمان نسبتاً طولانی تألیف آن، روش شناسی بحار الأنوار در مجلدات گوناگون آن نباید یکسان قلمداد شود.

۶. مجلسی با این که مشی اخباری دارد، در بسیاری از موارد با پذیرش روش اصولیون، اعتدال خود را در این عرصه نشان می‌دهد.

جدول ۱. فروانی مصادر احادیث و یا سخن بزرگان شیعه و ارجاعات آنها در کتاب امامت بحار الأنوار از ۴۲۸۷ مورد (غیر از تفاسیر آیات و توضیحات روایات)

ردیف	نام منبع	فروانی در مجلد ۷	درصد فروانی	ردیف	نام منبع	فروانی در مجلد ۷	درصد فروانی	ردیف	نام منبع	فروانی در مجلد ۷	درصد فروانی
۱	بصائر الدرجات	۱۰۸۱	٪۲۵/۲۲	۳۰	قرب الأسناد	۲۶	٪۰/۶۱	۲	تحف العقول	۳	٪۰/۰۷
۲	تأویل الآیات	۴۳۴	٪۱۰/۱۲	۳۱	مشارق الأنوار	۲۵	٪۰/۵۸	۳	الذّر المنثور	۳	٪۰/۰۷
۳	تفسیر العیاشی	۲۲۱	٪۵/۱۶	۳۲	کنز الفوائد	۲۲	٪۰/۵۱	۳	کتاب سلیم بن قیس	۳	٪۰/۰۷
۴	تفسیر القمی	۲۱۹	٪۵/۱۱	۳۳	بشارة المصطفى	۲۰	٪۰/۴۷	۳	محاسبة النفس	۳	٪۰/۰۷
۵	الکافی	۱۹۵	٪۴/۵۵	۳۴	التوحيد	۲۰	٪۰/۴۷	۳	مقتضب الاثر	۳	٪۰/۰۷
۶	مناقب ابن شهر آشوب	۱۸۱	٪۴/۲۲	۳۵	كشف الغمة	۱۸	٪۰/۴۲	۳	النوادر فضل الله راوندی	۳	٪۰/۰۷
۷	الاختصاص	۱۵۰	٪۳/۵	۳۶	مجمع البيان	۱۶	٪۰/۳۷	۲	امان الأخطار	۲	٪۰/۰۵
۸	تفسیر فرات	۱۴۲	٪۳/۳۱	۳۷	المستدرک ابن بطریق	۱۵	٪۰/۳۵	۲	تفسیر النعمانی	۲	٪۰/۰۵
۹	اکمال الدین	۱۲۸	٪۲/۹۹	۳۸	الغیبة	۱۳	٪۰/۳	۲	الغارات	۲	٪۰/۰۵
۱۰	امالی طوسی	۱۲۳	٪۲/۸۷	۳۹	قصص الأنبياء	۱۳	٪۰/۳	۲	کتاب عتیق فی فضائل...	۲	٪۰/۰۵
۱۱	المحاسن	۹۱	٪۲/۱۲	۴۰	تفضیل الأئمة علی...	۱۲	٪۰/۲۸	۲	کفاية الأثر	۲	٪۰/۰۵
۱۲	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small>	۸۷	٪۲/۰۳	۴۱	الروضة فی فضائل...	۱۲	٪۰/۲۸	۲	المقالات	۲	٪۰/۰۵
۱۳	علل الشرائع	۸۲	٪۱/۹۱	۴۲	العقائد صدوق	۱۲	٪۰/۲۸	۱	اثبات الوصية	۱	٪۰/۰۲
۱۴	معانی الأخبار	۸۰	٪۱/۸۷	۴۳	كشف اليقين	۱۲	٪۰/۲۸	۱	الإقبال	۱	٪۰/۰۲
۱۵	رجال الکشی	۷۶	٪۱/۷۷	۴۴	رياض الجنان	۱۰	٪۰/۲۳	۱	الاستدراك	۱	٪۰/۰۲

ردیف	نام منبع	فراوانی در مجلد ۷	درصد فراوانی	ردیف	نام منبع	فراوانی در مجلد ۷	درصد فراوانی
۱۶	الخصال	۶۱	٪۱/۴۲	۴۵	صحيفة الرضاع	۱۰	٪۰/۲۳
۱۷	امالی صدوق	۶۰	٪۱/۴	۴۶	الفضائل	۱۰	٪۰/۲۳
۱۸	المحتضر	۵۸	٪۱/۳۵	۴۷	نهج البلاغه	۱۰	٪۰/۲۳
۱۹	الغیبة	۵۴	٪۱/۳۱	۴۸	الارشاد مفید	۹	٪۰/۲۱
۲۰	العمده	۴۹	٪۱/۱۴	۴۹	فضائل الشيعة	۹	٪۰/۲۱
۲۱	تفسیر امام عسکری ع	۳۷	٪۰/۸۶	۵۰	السرائر	۸	٪۰/۱۹
۲۲	الاحتجاج	۳۵	٪۰/۸۲	۵۱	فردوس الأخبار	۸	٪۰/۱۹
۲۳	منتخب البصائر	۳۳	٪۰/۷۷	۵۲	کامل الزیارات	۸	٪۰/۱۹
۲۴	مناقب ابن شاذان	۳۳	٪۰/۷۷	۵۳	جامع الأصول	۷	٪۰/۱۶
۲۵	ثواب الأعمال	۳۲	٪۰/۷۵	۵۴	كشف الحق	۷	٪۰/۱۶
۲۶	الطرائف	۳۱	٪۰/۷۲	۵۵	ارشاد القلوب	۵	٪۰/۱۲
۲۷	المجالس مفید	۳۰	٪۰/۷	۵۶	سعد السعود	۵	٪۰/۱۲
۲۸	اعلام الدین	۲۷	٪۰/۶۳	۵۷	إعلام الوری	۴	٪۰/۰۹
۲۹	الخرائج و الجرائح	۲۶	٪۰/۶۱	۵۸	جامع الأخبار	۴	٪۰/۰۹

جدول ۲- درصد فراوانی استفاده از انواع منابع در مجلد هفتم بحار الأنوار

ردیف	نوع مصادر حدیثی در کتاب امامة بحار الأنوار	تعداد این منابع از ۸۶ مورد	درصد تقریبی استفاده از آنها در کتاب امامت بحار الأنوار
۱	منابع قبل از شیخ طوسی و همزمان با او (متقدم)	۴۵	٪۷۳/۴۳
۲	منابع پس از زمان شیخ طوسی (متأخر)	۴۱	٪۲۶/۵۷
۳	منابع دارای احادیث مسند تا معصوم	۲۸	٪۵۴/۴
۴	منابع متأخر که از اصول و منابع اولیه حدیثی با ذکر منبع و سند، حدیث نقل می کنند	۲۴	٪۲۱/۵

ردیف	نوع مصادر حدیثی در کتاب امامه بحار الأنوار	تعداد این منابع از ۸۶ مورد	درصد تقریبی استفاده از آنها در کتاب امامت بحار الأنوار
۵	منابعی که بیشتر اسناد احادیثش ناقص است	۱۱	٪۱۹/۷
۶	منابعی که اسناد احادیث حذف شده و یا عقیده مؤلف را در بردارد	۱۵	٪۲/۹
۷	منابعی که تمام احادیث کتاب با یک یا چند سند از یک معصوم نقل شده است	۴	٪۱/۳
۸	منابع و جاده‌ای و غیر معلوم	۴	٪۰/۲

پی نوشت‌ها

در سال‌های اخیر، محققانی همچون احمد عابدی، حسن طارمی راد، عبد الهادی فقهی زاده، علی ملکی میانجی، سید علی محمد رفیعی و کامران ایزدی مبارکه آثار ارزنده‌ای در تبیین روش علم الحدیثی و فقه الحدیثی مجلسی نگاشته‌اند. به تازگی آیه الله ناصر مکارم شیرازی نیز، با حذف برخی احادیث ضعیف بحار الأنوار و گزینش احادیث و شرح نکات مبهم آن و... تألیف کتاب منتخب الآثار من بحار الأنوار را در بیست جلد در دست اقدام دارد که دو جلد آن تا کنون انتشار یافته است. همچنین در مورد معرفی ابعاد گوناگون این دایرة المعارف اسلامی و نقاط مثبت و احیاناً ضعف آن مقالات، پایان‌نامه‌ها و آثاری به ویژه در روزهای برپایی کنگره بزرگداشت مرحوم علامه مجلسی (سال ۱۳۷۷ ش، در اصفهان) نگاشته شده است.

کتابنامه

- آشنایی با بحار الأنوار، احمد عابدی، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- الغدیر، عبد الحسین احمد امینی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۸۷ ق.
- الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی، حسین بن محمد تقی نوری، مطبوع در بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- المحاسن، احمد بن محمد برقی، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
- اندیشه‌شناسی محدثان حله، امین حسین پوری، تهران: نشر دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.
- بازسازی متون کهن حدیث شیعه، گفت و گوباً سید احمد مددی موسوی توسط سید محمد عمادی حائری، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مرکز دار الحدیث،

۱۳۸۸ ش.

- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، قم: نشر کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- خاتمه مستدرک الوسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- رسالة الردود در مقدمه عوالی الثالی، شهاب الدین مرعشی، تصحیح و تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار السید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
- روضات الجنات، محمد باقر خوانساری، قم: چاپخانه اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.
- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله بن عیسی بیگ افندی، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ ق.
- علامه مجلسی و فهم حدیث، عبد الهادی فقهی زاده، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
- علم الحدیث و درایة الحدیث، کاظم مدیرشانه چی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن بابویه، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
- ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محمد باقر مجلسی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۶ ق.
- ارزبایی اسناد الکافی از منظر علامه مجلسی در مرآة العقول، حجت هادی، مجله علوم حدیث، ۱۳۸۶ ش، شماره ۴۵ و ۴۶.
- تردیدهای آشکار و نهان علامه مجلسی در باره اعتبار رساله ذهبیه، احمد عابدی، جعفر نکونام، هادی نصیری، مجله پژوهش دینی، ۱۳۹۰ ش، شماره ۲۳.
- «تصحیح و تحقیق متون حدیثی»، علی اکبر غفاری، مجله علوم حدیث، ۱۳۷۹ ش، شماره ۱۵.
- «روش شناسی بحار الأنوار»، سید احمد مددی موسوی، یادنامه علامه مجلسی، مهدی مهریزی و هادی ربانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- «علامه مجلسی و جمع روایات متعارض»، عبد الهادی فقهی زاده، مجله علوم حدیث،

۱۳۸۸ ش، شماره ۵۳.

- «کتاب المناقب اثری کهن از میراث غلات»، محمد کاظم رحمتی، کتاب ماه دین،

۱۳۸۶ ش، سال دهم و یازدهم، شماره ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۲.

- «بحار الأنوار»، حسن طارمی، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر: سید مصطفی میر سلیم و

غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

